

به مناسبت حماسه فراموش ناشدنی ۱۶ آذر ۱۳۳۲، روز دانشجو

خون دانشجویان مبارز راه آزادی هنوز

بر سنگفرش ها، می جوشد

مشترک نیروهای آزادی خواه بود. ۱۶ آذر جایگاهی ویژه در تاریخ مبارزات مردمی معاصر میهن ما دارد، و امسال چهل و پنج سال است که دانشجویان، جوانان، و نیروهای ملی و مترقی میهن ما این روز را به عنوان روز دانشجو، روز تولد شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» گرامی می دارند. روزی که خون گرم سه دانشجوی مبارز، بزرگ نیا و شریعت رضوی (اعضای سازمان جوانان حزب توده ایران) و قندچی (دانشجوی هوادار دکتر مصدق) در هم آمیخت، و حماسه بی فراموش ناشدنی از اتحاد

چهل و پنج سال از واقعه ۱۶ آذر ۳۲، روز هجوم ددمنشانه کودتاگران تا بن دندان مسلح شاه، به دانشگاه تهران و حماسه آفرینی دانشجویان آزادی خواه می گذرد. ۱۶ آذر، به ارتجاع و حکومت کودتا نشان داد که دانشجویان برای به دست آوردن آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی از گلوله و مرگ هراسی ندارند. ۱۶ آذر، فریاد اعتراض دانشجویان بر ضد امپریالیست ها، استعمارگران و نوکران حلقه به گوش داخلی آنان، و بر ضد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. ۱۶ آذر تبلور وحدت صنفی دانشجویان، از توده ای تا مصدقی، و نیروی اعجاز برانگیز این وحدت در مبارزه

ادامه در صفحه ۳

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۴۵، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۳ آذرماه ۱۳۷۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران ترور داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران، و همسرش پروانه فروهر را بشدت محکوم می کند

داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران، و همسرش، پروانه فروهر، در تهران به دست مزدوران رژیم «ولایت فقیه» به قتل رسیدند. داریوش فروهر و همسرش پروانه، از جمله رهبران جنبش ملی کشور ما بودند که در سال های اخیر بر ضد رژیم «ولایت فقیه» مبارزه می کردند و به همین سبب بارها از سوی گزمنگان رژیم مورد تهدید و پیگرد قرار گرفته بودند.

ترور وحشیانه داریوش و پروانه فروهر، بار دیگر به روشنی نشان می دهد که رژیم «ولایت فقیه» از هیچ جنایتی برای تأمین ادامه حیات خود روی گردان نیست. این ترور، مانند ترورهای پیش از این، یعنی قتل قاسملوها، شرفکندی ها، سامی ها و دیگران، در عین حال نشانگر ماهیت عمیقاً ضد مردمی و جنایت پیشه رژیم است که تا به امروز هزاران مبارز راه آزادی را کشتار کرده است، و مسلماً این آخرین ترور آن نیز نخواهد بود. ترور داریوش و پروانه فروهر، در عین حال اخطار رهبری رژیم به دگراندیشان، و نشان دادن آمادگی به قصد عملی کردن بخشی از تهدیداتی است که توسط فرمانده سپاه پاسداران، به عنوان سخنگوی قداره بند جناح محافظه کار رژیم مبنی بر «گردن زدن» و «زبان بردن» مخالفان و دگراندیشان، اعلام شده بود. ترور داریوش و پروانه فروهر، ضمناً، نشانگر وحشت عمیق حاکمیت از رشد جنبش مردمی و تشدید مبارزه توده ها برای پایان دادن به حاکمیت استبداد و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ماست.

دست زدن به چنین جنایت رسوائی، در اوضاع کنونی میهن ما، نشانه ضعف و ناتوانی رژیم استبداد در مقابل نیروی روبه رشد جنبش مردمی ضد رژیم «ولایت فقیه» است. جنبش مردمی برای دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی و نجات از چنگال بختک استبداد قرون وسطائی، به حدی از رشد و شتاب رسیده است که دیگر با این گونه تهدیدات و حرکات مذبوحانه نمی توان جلو حرکت نیرومند آن را سد کرد.

ادامه در صفحه ۴

شوراهای مردمی در برابر شوراهای فرمایشی، تضاد آشتی ناپذیر رژیم «ولایت فقیه» با حق حاکمیت مردم و پیکار برای آزادی و عدالت اجتماعی

- «هیأت های نظارت مرکزی» نهادهائی ارتجاعی اند برای جلوگیری از شرکت نمایندگان واقعی مردم در انتخابات شوراهای شهر و روستا!
- شوراها بدون حضور نمایندگان واقعی توده ها، شوراهای مردمی نخواهند بود!

مسئله انتخابات شوراهای شهر و روستا، عرصه بی مهم در مبارزه با استبداد حاکم و طرفداران «ذوب در ولایت» در اوضاع کنونی میهن ماست. ارتجاع حاکم و نیروهای واپس گرا که نهادها و اهرم هایی چون قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، نیروهای امنیتی و سرکوبگر را در اختیار کامل خود دارند، با در قبضه گرفتن «هیأت های نظارت» بر انتخابات شوراهای شهر و روستا کارزار گسترده بی را آغاز کرده اند تا اجازه ندهند نمایندگان واقعی مردم در انتخابات شوراهای شرکت فعال و مؤثر داشته باشند. بر اساس گزارش روزنامه های مجاز کشور، هفتاد درصد ترکیب هیأت های نظارت را جناح راست و واپس گرا در اختیار خود گرفته اند. روزنامه سلام، چهارشنبه ۲۰ آبان ماه، از قول سید باقر موسوی، نماینده مجلس نوشت: «نحوه انتخاب اعضای هیأت های عالی نظارت استان ها بر انتخاب شوراهای شهر و روستا از سوی هیأت مرکزی تاکنون یکطرفه و بعضاً به دور از شرایط خاص استان ها بوده است و چنانچه این روند اصلاح نشود و مورد تجدید نظر قرار نگیرد، قطعاً در آینده با مشکلات زیادی در روند برگزاری این انتخابات روبرو خواهیم شد.»

روزنامه اخبار، چهارشنبه ۲۷ آبان ماه، نیز از قول ابراهیم اصغرزاده، که در یک جمع دانشجویی سخن رانی می کرد، نوشت: «شورای شهر باعث صعود اجتماعی گروه ها و افراد مختلف خواهد شد، یعنی به خیلی از گروه های اجتماعی امکان می دهد که با شرکت در انتخابات شوراهای از زندگی غیر سیاسی و اجتماعی به عرصه عمومی تر پرتاب شوند.» اصغرزاده بدرستی اشاره می کند که دلیل واقعی عدم برگزاری این انتخابات بی اعتقادی رهبری جمهوری اسلامی به جمهوریت و مشارکت مردم در تعیین حق سرنوشت

ادامه در صفحه ۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

تشدید فشار نیروهای واپس گرا بر جنبش دانشجویی

جمله آمده است: «تصویب طرح توسعه بسیج دانشجویی در شور دوم مجلس با هدف تقویت بسیج که به قصد استفاده ابزاری از بسیج دانشجویی و ترویج نظامی گری برای مقابله با جو علمی، فرهنگی و سیاسی دانشگاه ارزیابی می شود.» روزنامه جمهوری اسلامی، ارگان «ولی فقیه»، نیز در مقاله خشم آگینی، در شماره سه شنبه ۲۶ آبان ماه خود، ضمن حمله شدید به جنبش دانشجویی، اتخاذ چنین مواضعی از سوی دفتر تحکیم وحدت را به شدت انحرافی دانسته، و از این دفتر خواست تا فوراً مواضع خود را اصلاح کند. به گفته روزنامه جمهوری اسلامی چنین موضع گیری هایی «انحراف آشکار از خط امام و موضع نظام جمهوری اسلامی است و به همین دلیل این انتظار وجود دارد که دفتر تحکیم وحدت اقدام به تصحیح این موضع غیر اصولی نماید.»

لازم به تذکر است که این نشست همچنین نگرانی خود را نسبت به ترکیب هیات های نظارت مرکزی انتخابات شوراها و خطری که از سوی جناح انحصار طلب و «تمامیت خواه» این انتخابات را تهدید می کند، ابراز کرده است.

در هفته های اخیر بار دیگر گزمگان چماقدار و مطبوعاتی رژیم، حملاتی گسترده بر ضد جنبش دانشجویی کشور آغاز کرده اند. در مشهد، گروهی از مأموران امنیتی با چماق و پنجه بوسک، به جلسه سازمان یافته از سوی دانشجویان دانشگاه فرودسی حمله کرده و شماری از دانشجویان را که برای شنیدن سخنرانی محتشمی، مشاور رئیس جمهوری، گرد آمده بودند زخمی کردند. در تهران، مسئول نیروهای سرکوبگر، رحیم صفوی، ضمن تأکید بر سخنان تهدید آمیز گذشته خود بر ضد جنبش آزادی خواهانه مردم، اعلام کرد که «نظام اسلامی» با اتکاء به بیش از سی هزار پایگاه بسیج، که بیش از چهار میلیون را زیر پوشش خود دارد، آماده است تا هر حرکتی را بر ضد «نظام اسلامی» سرکوب کند.

وی در همین سخنان نیز به دفتر تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی به سبب مخالفت با حضور «بسیج دانشجویی» در دانشگاه ها، بشدت حمله کرد. لازم به تذکر است که نشست سراسری «انجمن های اسلامی دانشجویان سراسر کشور، دفتر تحکیم وحدت» در هفته اخیر در قزوین برگزار شد، و با صدور قطعنامه ای که در آن بشدت با حضور بسیج دانشجویی در دانشگاه ها مخالفت شده بود، به کار خود پایان داد. در این قطعنامه از



سالگرد یورش به منزل آیت الله منتظری

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، به مناسبت سالگرد یورش مزدوران امنیتی رژیم به منزل و دفتر آیت الله منتظری و زندانی کردن او در خانه، اعلامیه هایی از سوی مقلدان و هواداران او، در ابعاد گسترده، در اصفهان، تهران و قم پخش شد. در پی این حرکت، رژیم بر شمار نیروهای امنیتی که خانه آیت الله منتظری را محاصره کرده اند، افزود، و با اشغال خیابان های اطراف آن عملاً از هرگونه تلاشی برای دیدار با او جلوگیری کرد. بر اساس همین گزارش ها، در اعلامیه های منتشر شده در ایران، روز ۲۸ آبان ماه، روز حمله به منزل آیت الله منتظری، روز عزای عمومی اعلام شده است، و همچنین ذکر شده است که تمامی کسانی که در این یورش دست داشته اند و یا با سکوت خود بر آن مهر تأیید زده اند، موجب ذلت و ننگ اسلام و جامعه روحانیت شده اند.

لازم به تذکر است که در سال گذشته، در پی سخنان تند و شجاعانه آیت الله منتظری بر ضد «ولایت فقیه» و «ولی فقیه» حاکم، گزمگان رژیم به دستور مستقیم خامنه ای، به منزل و دفتر آیت الله منتظری یورش بردند و تنی چند از نزدیکان او، از جمله داماد و فرزندش را دستگیر کردند. خامنه ای بعداً در سخن رانی قول داد که برای دفاع از «اسلام و نظام» آیت الله منتظری را محاکمه خواهد کرد، که این تهدید او با مخالفت وسیع حوزه های علمیه و حتی جناح هایی از حاکمیت روبه رو و لذا عملی نشد. در مدت یک سال گذشته نیروهای امنیتی با محاصره منزل آیت الله منتظری، قطع امکانات ارتباطی او، از جمله تلفن، و جلوگیری از برگزاری درس و دیدارهای او با شاگردانش، او را در منزلش زندانی کرده اند. نیروهای مترقی، از جمله حزب توده ایران، با محکوم کردن این اعمال سرکوبگرانه خواهان آزادی فوری و رفع حصر او و آزادی نزدیکان او هستند.

بیش از ۲۲ میلیارد دلار بدهی خارجی

خبرگزاری رویترز از قول برخی بانک ها و موسسات مالی جهان گزارش داد که جمهوری اسلامی بار دیگر با دشواری در زمینه باز پرداخت بدهی های مالی خود روبه رو شده است. در همین هفته همچنین اعلام شد که ایران بیش از ۲۲ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی که در روزنامه های روز پنجشنبه ۲۱ آبان ماه کشور بازنتاب یافت: «با احتساب تعهدات و بهره های آینده کل بدهی ها و تعهدات خارجی ایران در خرداد ماه امسال ۲۲/۱ میلیارد دلار بود.» بر اساس همین گزارش، سررسید بدهی های خارجی ایران در سال جاری پنج میلیارد و ۵۶۷ میلیون دلار، و در سال ۱۳۷۸ برابر با سه میلیارد و ۷۴۴ میلیون دلار است. لازم به تذکر است که با کاهش شدید ارزش نفت و به دنبال آن کاهش درآمد های پیش بینی شده در بودجه کل کشور، دولت با هزاران میلیارد ریال کسری بودجه روبه رو است، که با تصویب مجلس قرار است از طریق استقراض بیشتر این کسری را برطرف کند.

همچنین بر اساس همین گزارش، صادرات غیر نفتی ایران در سال گذشته تنها ۲۰۲ میلیون دلار بوده است که نسبت به سال گذشته ۱/۶ درصد کاهش نشان می دهد. بر اساس همین آمار میزان واردات ایران در سال گذشته سه میلیارد و ۷۱۴ میلیون دلار بوده است.

اعتراف قوه قضائیه به شکنجه گاه های مخفی رژیم

به گزارش روزنامه همشهری، ۱۹ آبان ماه، شیخ محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، با صدور دستور العملی به قضات سراسر کشور اعلام کرد که: «محکومان به حبس صرفاً باید در زندان های تحت نظر سازمان زندان ها نگهداری شوند.» بر اساس همین گزارش یزدی به قضات «محاکم عمومی، انقلاب و نظامی» تذکر داده است که تخلف از این امر جرم محسوب شده و موجب پیگرد قانونی خواهد شد. در بخشنامه همچنین ذکر شده است که: «در جریان رسیدگی به پرونده و صدور قرار یا حکم، مراقبت شود متهمان تحت قرار و محکومان دادگاه ها جز به زندان های رسمی که تحت نظارت سازمان امور زندان های کشور اداره می شوند، معرفی نشوند. لازم به تذکر است که در پی دستگیری های اخیر، خصوصاً پس از مسأله دستگیری شهرداران تهران و در پی آن گروهی از روزنامه نگاران، مسأله بازداشتگاه ها و شکنجه گاه های مخفی در رسانه های مجاز کشور برملاء شد، و بازنتاب گسترده ای یافت. چند ماه پیش نیز دبیر «سازمان حقوق بشر اسلامی» در مصاحبه ای به وجود چنین بازداشتگاه هایی اعتراض کرد که به شدت از سوی روزنامه های جناح حاکم مورد حمله قرار گرفت. وجود شکنجه گاه های مخفی و بازداشتگاه های غیر قانونی، به هیچ وجه مسأله جدیدی نیست، و اکنون سالهاست که رژیم، خصوصاً در مورد نیروهای دگراندیش و انقلابی، از چنین بازداشتگاه هایی استفاده کرده است. دستور محمد یزدی، زیر فشار داخلی و همچنین فشارهای خارجی از جمله گزارش اخیر موریس کاپیتورن، فرستاده ویژه سازمان ملل متحد، پس از سال ها انکار، تنها اعترافی است به شیوه رایج عملکرد دستگاه های سرکوبگر رژیم «ولایت فقیه» که سال ها است ادامه داشته و به گمان ما با وجود چنین بخشنامه هایی همچنان ادامه خواهد یافت.

ادامه هنوز خون دانشجویان مبارز ...

نیروهای خلقی در مبارزه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، در میهن ما پدید آمد.

مبارزه‌ای که ریشه در گذشته دارد

تقش و سهم دانشجویان در تحولات انقلابی میهن ما، بدون سابقه تاریخی و بدون پایه‌ای محکم در نبردهای گذشته نیست، بلکه ریشه در سنت‌های درخشان این گذشته دارد. سنت نشأت یافته از مبارزان انقلاب مشروطیت، مبارزه شورا نگیز انقلابی بزرگ حیدر عمو آغلی و حیدرها، نبرد جانانه و دلیرانه دکتر ارانی و یاران او، با دیکتاتوری رضا خانی، و ارتباط نزدیک این مبارزه با نیروهای مردمی و روشنگری بین آنان خصوصاً دانشجویان و روشنفکران این سابقه و پایه را تشکیل می‌دهند. به عنوان نمونه، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران که در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۹، تأسیس شد، از جمله ثمرات این مبارزات بود. مبارزه‌ای که تا کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ با شور و وسعت تحسین برانگیزی ادامه یافت، و جنبش دانشجویی کشور را با مبارزات ضد استعماری مردم میهن ما برای ملی کردن صنعت نفت پیوند زد. نبرد جنبش دانشجویی در این دوران از همبستگی با اعتصاب‌های کارگری و شرکت در راه پیمایی‌ها، تا افشاکاری مؤثر و وسیع توطئه‌های نیروهای ارتجاعی، نشانگر ماهیت عمیقاً مردمی و نقش مؤثر آن در مجموعه جنبش‌های رهایی بخش میهن ماست.

۱۶ آذر، آغازی دیگر در مبارزه دانشجویی ایران

هنوز کوتاه زمانی از کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگذشته بود که مبارزات خلقی‌های ایران و هم گام با آنان، دانشجویان دانشگاه‌ها، بار دیگر آغاز شد. نخستین اعتصاب هماهنگ و یکپارچه نیروهای ملی در ۱۶ مهرماه ۱۳۳۲، بر ضد کودتا، برگزار شد. در این تظاهرات، همه نیروهای ملی، و در رأس آنان حزب توده ایران، جمعیت ملی مبارزه با استعمار و جبهه ملی شرکت کردند. حزب توده ایران تظاهرات ۱۶ مهر را نقطه آغاز اقدام مشترک نیروهای ضد استعماری به هدف تحصیل استقلال ملی ارزیابی کرد. در پی این تظاهرات، در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۳۲، و به دعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار، بار دیگر تظاهرات وسیعی با شعارهای «تأمین آزادی‌های دموکراتیک، آزادی دکتر مصدق و سایر زندانیان سیاسی، طرد استعمارگران و جلوگیری از کشتن شدن ایران به دسته بندی‌های نظامی» برگزار شد. این دو حرکت وسیع مردمی، در واقع، زمینه ساز حماسه ۱۶ آذر ۳۲ گردید.

در ۱۶ آذر ۳۲، نظامیانی که به دستور کودتاگران، دانشگاه تهران را اشغال کرده بودند به دانشجویان مبارز این دانشگاه یورش بردند. دانشجویان در اعتراض به تجدید روابط ایران با دولت انگلستان، سفر ریچارد نیکسون، معاون آیزنهاور، رئیس جمهوری وقت آمریکا، به ایران، محاکمه غیرقانونی دکتر مصدق، پیوستن ایران به پیمان بغداد، و برای آزادی زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب زدند. فریاد رسای دانشجویان همراه شعارهای «دست از دانشگاه کوتاه»، «درد بر مصدق نخست وزیر قانونی»، «هرگ بر دیکتاتور»، و «اتحاد، مبارزه، پیروزی»، سرتاسر فضای دانشگاه را به لرزه درآورد. رگبار مسلسل‌ها فروریخت. سه تن از دانشجویان دانشکده فنی تهران، رفقا بزرگ نیا و شریعت رضوی (توده‌ای) و قندچی (از هواداران دکتر مصدق) در خون غلتیدند. جاری شدن خون این سه مبارز راه آزادی در نبردگاه دانشگاه تهران، که هنوز هم بر سنگفرش‌های آن می‌جوشد، و الهام بخش دانشجویان است، از آن پس سرچشمه جوشان و جاری مبارزه متحد دانشجویان در سالگرد‌های متعدد این روز تاریخی شد. مبارزه‌ای که تا پیروزی تاریخی انقلاب بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم استبدادی و وابسته شاه ادامه یافت و امروز نیز همین مبارزه است که در سنگرهای دانشگاه‌های کشور بر ضد رژیم «ولایت فقیه» در ابعاد گسترش یافته‌ای ادامه دارد.

و نبرد دیگر دوران ما

«تجربه مبارزه تاریخ معاصر کشور ما و ده‌ها کشور دیگر علیه استعمار،

امپریالیسم و استبداد نشان داده است که مبارزه جوانان و دانشجویان بخش مهمی از پیکار عمومی خلق در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است و از این رو است که نیروهای ستمگر همواره به جوانان و دانشجویان به عنوان یک خصم جدی نگریسته و از تمام توان خود برای سرکوب جنبش‌های دانشجویی بهره جسته‌اند... نوزده سال پس از پیروزی یکی از شکوهمندترین انقلاب‌های خلقی قرن اخیر، جوانان و دانشجویان میهن نه تنها به هیچیک از خواست‌های خود دست نیافته‌اند بلکه هدف یکی از خشن‌ترین سرکوب‌های تاریخ معاصر میهن ما نیز بوده‌اند. پاکسازی وسیع دانشگاه‌ها، بستن مراکز آموزشی و دستگیری، شکنجه و اعدام صدها مبارز جوان با هدف سرکوب جنبش جوانان و دانشجویان میهن ما به شدیدترین شکلی دنبال شد و بررغم همه ضربات و ضایعات نتوانست در اراده جنبش دانشجویی کشور خللی وارد آورد... تقش فعال و پرشور جوانان در ماه‌های اخیر، خصوصاً در جریان برگزاری انتخابات دوم خرداد ماه و شکست فاش نماینده رژیم «ولایت فقیه»، بررغم همه تهیدتات و شرایط تحمیل شده نشانگر تقش مهم و حساس شما در نبرد حساس کنونی برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ماست. در ماه‌های پس از انتخابات، دانشگاه‌های کشور یکی از سنگرهای مهم پیکار علیه ارتجاع، استبداد و انحصارگرایی بوده است. نبرد دانشجویان با گزیمگان رژیم، با چماق داران «حزب الله» و «انصار حزب الله» و حرکت آگاهانه و روشن به سمت انسجام بخشیدن به صفوف جنبش دانشجویی و تدقیق شعارهای مبارزاتی آن در شرایط کنونی نشانگر هوشیاری و سطح بالای آگاهی جنبش دانشجویی و جوانان میهن ماست.» (از پیام چهارمین کنگره حزب توده ایران به دانشجویان و جوانان میهن، بهمن ۱۳۷۶).

مبارزه جنبش دانشجویی کشور در سال‌های اخیر، پس از دوران رکود و بسته بودن دانشگاه‌ها به مدت طولانی، روبه رشد و اوج گیری مجدد است. ارتجاع و واپس گرایی حاکم در سیمای جنبش دانشجویی کشور، دشمنی جدی را می‌بیند که می‌تواند خطرات بزرگی را برای ادامه حاکمیت استبداد ایجاد کند. تهدیدات فرمانده کل سپاه پاسداران بر ضد جنبش دانشجویی کشور، تأسیس «سپح دانشجویی» از سوی رژیم، به عنوان یک نیروی سرکوبگر برای اعزام به دانشگاه‌ها به منظور مقابله مستقیم با جنبش دانشجویی روبه رشد، نمونه‌های مشخص و روشن هراس عمیق نیروهای استبدادی حاکم است. رشد کیفی جنبش دانشجویی از جنبشی صنفی به یک جنبش فراگیر سیاسی، که در عرصه‌های گوناگون حرکت و موضع فعال دارد، کیفیت جدیدی را به جنبش دانشجویی کشور می‌دهد که توجه به آن در اوضاع کنونی بسیار مهم است. تقش فعال جوانان و دانشجویان در انتخابات دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و شکست تاریخی نامزد رژیم «ولایت فقیه»، و سپس حرکت فعال و آگاهانه دانشجویان در تحریم انتخابات مجلس خبرگان، با وجود توصیه‌های سران رژیم، نشان داد که دانشجویان و جوانان کشور، از آگاهی بالای اجتماعی - سیاسی برخوردارند، و در راه استقرار آزادی و عدالت اجتماعی به طور مستقل پیکار می‌کنند. در اوضاع کنونی انسجام بخشیدن به جنبش دانشجویی کشور، دفاع از ایجاد و حفظ انجمن‌های صنفی - دانشجویی در تمامی موسسات آموزشی، مقابله با ترفندهای رژیم برای اشغال دانشگاه توسط عوامل و وابستگان خود، و همبستگی مؤثر و فعال با سایر جنبش‌های مردمی، از جمله حرکت‌های کارگری در سراسر ایران از جمله عرصه‌های مهمی است که جنبش دانشجویی باید به آن توجه کند. جنبش دانشجویی میهن ما در این مبارزه تنها نیست، کارگران، زحمتکشان و مردم میهن ما و جنبش عظیم دانشجویی و جوانان در سطح جهان، مدافع پیکار دانشجویان ایرانی در راه آزادی و عدالت اجتماعی‌اند.

میهن ما، اینک، در لحظات حساس، به استقبال نبردی دیگر می‌رود. انتخابات شوراهای شهر و روستا در پیش است و جوانان و دانشجویان می‌توانند و باید تقش فعال و مهمی را در این انتخابات ایفاء کنند. مقابله با ترفند‌های واپس‌گرایان حاکم برای اعمال نظارت «استصوابی»، این بار از طریق شوراهای نظارت بر انتخابات، حمایت از نامزدی نیروهای مردمی، کارزار وسیع افشای سیاسی رژیم «ولایت فقیه» به عنوان سد اساسی آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما، انسجام بخشیدن سازمانی به جنبش و پیوند زدن جنبش دانشجویی با جنبش کارگران، زحمتکشان و جنبش عمومی خلق، از جمله وظایف خطیری است که بر دوش نیروهای مترقی میهن ما قرار دارد. درود آتشین به خاطره تابناک و جاودان شهدای ۱۶ آذر و تمامی شهدای راه آزادی و عدالت اجتماعی!

زنده باد «اتحاد، مبارزه، پیروزی»!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

با هوشیاری توطئه های سپاه پاسداران را خنثی کنیم

«ما ساکت نمی نشینیم ما نگران وضعیت امنیتی کشور هستیم. بعضی ها به اسم آزادی، سوء استفاده می کنند و افکار منحط را توسعه می دهند... مگر ما خواهیم گذاشت که خوابهای خوش شما تعبیر بشود... این مرحله هم که مرحله جنگ و نبرد واقعی است. ما به مبارزه، رزمنده و مجاهده احتیاج داریم... جبهه گسترده تر است، تحرک دشمن [بخوان توده های جان به لب رسیده مردم] وسیع تر است و باید با کمال تأسف بگویم خیلی از مواضع خودی را هم دشمن امروز اشغال کرده است، یعنی کار ما دو چندان شده است» سرتیپ پاسدار ذوالقدر، جانشین فرمانده سپاه

پاسداران صورت می پذیرد، تا به زعم فرماندهان سپاه، از حیث رزمی برای ضربه در روز موعد آمادگی لازم وجود داشته باشد. به علاوه تحرکات سپاه به هدف تأثیر گذاری بر مسایل جاری سیاسی نیز، در ماه های اخیر تشدید شده است. موجی کرمانی نماینده «ولی فقیه» در سپاه پاسداران، در جریان گردهمایی مسئولان نمایندگی های «ولی فقیه» در نیروی مقاومت بسیج، در این باره گفت: «باید پایگاههای بسیج در سراسر کشور تقویت شود... بسیجیان در مقابل تهدیدهای دشمن پیشقراول دفاع هستند، باید به وضعیت آنها رسیدگی کرد... در سراسر کشور سی هزار پایگاه بسیج وجود دارد... که می توانند در سرنوشت انقلاب بویژه انتخابات مختلف نقش سرنوشت سازی داشته باشند...» (کیهان، ۳۰ تیرماه ۱۳۷۷)

اخیرا نیز سرتیپ پاسدار، ذوالقدر، معاون فرمانده کل سپاه پاسداران، در یک سخن رانی در جمع خانواده شهدا در استان کهگیلویه و بویر احمد، به شدت به مساله توسعه سیاسی تاخت، و آزادی بیان، قلم و اندیشه را برای جمهوری اسلامی مضر دانست، وی در این سخنان بی پرده و عاری از هرگونه ابهام، از آمادگی سپاه برای سرکوب سخن گفت، و از جمله یادآور شد: «... ما نگران فرهنگ این مملکت هستیم، ما ساکت نمی نشینیم، ما نگران وضعیت امنیتی کشور هستیم. بعضی ها به اسم آزادی، سوء استفاده می کنند و افکار منحط را توسعه می دهند. بعضی ها از موضع توسعه و آزادی دارند تشنج در کشور بوجود می آورند... فرمانده سپاه را با صدام مقایسه کردند... با پول بوت دیکتاتور کامیوج مقایسه کردند!... بعضی از سران گروهها سپاه را با ارتش رضا شاه مقایسه کردند! هجوم فرهنگی مگر شاخ و دم دارد. وقتی شما به سپاه هجوم می کنید که محور اقتدار این نظام است... پیام این حرف چی است... فعلاً زبان ما حالا بسته است اما به موقعش خواهیم گفت اینها کی اند و از کجا الهام می گیرند... مگر ما خواهیم گذاشت که خوابهای خوش شما تعبیر بشود... با ابزار قلم، نوشته، کتاب، روزنامه، ماهواره و فیلم به سپاه و سپاهی که امام فرمودند اگر سپاه نبود کشور هم نبود حمله کرده اند... حال ای کاش علیه سپاه (هجوم) می کردند. اینجا همین هجوم را علیه شورای نگهبان می کنند، اگر یک نهادی برای تضمین دینی بودن نظام باشد، این نهاد، نهاد شورای نگهبان است... می توانیم ما خوش بینانه بگوئیم اینها اتفاقی است که یک تعداد بلند شوند شعار بدهند مجلس شورای اسلامی منحل باید گردد... این حرفها تازه است. اینها را ما در گذشته نداشتیم، کسی جرأت می کرد که به این پایه ها هجوم کند؟... تکثر گرایی یعنی چه؟ یعنی هرکسی هر فکری دارد آن خوب است و صحیح است و محترم است، بخاطر اندیشه و بخاطر دیدگاه، کسی دیگری را نمی تواند مورد ملامت قرار بدهد یعنی این زیر آب امر به معروف و نهی از منکر و تمام تلاش هایی را که یک مسلمان برای تبلیغ ارزش ها باید صورت بدهد را می زند... اگر چهار تا دانشجوی مسلمان هم اعتراض کرد، به عنوان آشوب طلب، به عنوان حماقت دار او را محکوم می کنند.» ذوالقدر، جانشین فرمانده سپاه، در پایان همین سخن رانی با نگرانی عمیق از تزلزل پایه های رژیم در مقابل جنبش روبه رشد توده ها، در زمینه وظایف سپاه در اوضاع کنونی می افزاید: «خوب نتیجه گیری کنیم. این مرحله هم که مرحله جنگ و نبرد واقعی است. ما به مبارزه، رزمنده و مجاهده احتیاج داریم... جبهه گسترده تر است، تحرک دشمن [بخوان توده های جان به لب رسیده مردم] وسیع تر است و باید با کمال تأسف بگویم خیلی از

سپاه پاسداران، ارگان سرکوب گر رژیم «ولایت فقیه»، در هراس از گسترش مبارزه اعتراضی توده ها، بردامنه فعالیت های توطئه گرانه خود افزوده است. موضع گیری ها و سخنان فرماندهان بلند پایه سپاه، حاکی از نقشه های شوم و خونین آنان برای مقابله با حرکات اعتراضی مردم میهن ماست و این واقعیت را بیش از پیش آشکار می سازد که این ارگان ضد مردمی در پی فرصت مناسب برای وارد کردن ضربه «قاطع» بر بیکر جنبش همگانی توده ها در راه آزادی و عدالت اجتماعی است.

رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران، در سخن رانی خشم آگینی، در مراسم صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی در دانشکده افسری سپاه واقع در شهر اصفهان، برای دگراندیشان و مخالفان نهاد پوسیده «ولایت فقیه»، خط و نشان کشید، و اعلام کرد: «... باید در زیر پرچم ولایت فقیه وحدت داشت، چون ولایت فقیه ملاک مشروعیت نظام ماست... ما دلارهایی را که از آمریکا در ایران تبدیل به مقاله می شود می شناسیم. تمام توطئه فرهنگی اینست که ملت ما را از فرهنگ اسلامی دور کنند یا انحراف و التقاطی در فرهنگ اسلامی به وجود بیاورند... ما باید نفوذی ها را پیدا کنیم که به دنبال تفرق در قوای سه گانه هستند...» (اطلاعات، ۷ مهرماه ۱۳۷۷). صفوی بیش از این نیز روزنامه ها و مطبوعات غیر وابسته به جناح های حکومتی، و روشنفکران دگراندیش و آزادی خواه را تهدید به سرکوب کرده بود، و با صراحت تأکید کرده بود که «برخی نشریات که بسیج را به تمسخر می گیرند بدانند که... خدا نکند که روزی اهداف این چهره ها را برای مردم (رو) کنیم... گروهکهایی امروز در دانشگاه ها تبلیغ افکار ضد دینی می کنند... استحاله فرهنگی و ظهور روشنفکری و بی نظمی و بی قانونی از آفات انقلاب است...» (اطلاعات بین المللی، ۱۹ شهریور ۱۳۷۷). چنین مواضع و سخنانی، صرفاً تهدید نیست. از یک سال پیش به این سو، درست برپایه همین سیاست رسمی، قداره بنان بسیج و سپاه در دانشگاه ها و مراکز علمی، به گردهمایی های دانشجویی یورش برده، و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار داده اند. از آخرین نمونه هائی که در معرض یورش های قداره بنان حزب الله و اعضای سپاه پاسداران قرار گرفت به گردهمایی دانشجویان در اعتراض به عملکرد شورای نگهبان و خواست آزادی از سوی جوانان و دانشجویان، در مقابل دانشگاه تهران به تاریخ چهاردهم مهرماه، و یورش چماقداران سپاه به نشست دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، در هفته آخر آبان ماه (برای جلوگیری از سخن رانی محتشمی) می توان اشاره کرد.

طی یک سال گذشته، سپاه همواره کوشیده است تا با مداخله در امور سیاسی در شکل بخشیدن به جهت گیری حاکمیت، نقش اساسی را داشته باشد. در این خصوص محمد باقر قالیباف، فرمانده نیروی هوایی سپاه، در جریان معرفی فرمانده پایگاه هوایی کاشان، با صراحت خاطر نشان کرد «... اگر سپاه صرفاً یک نیروی نظامی مستقر در پادگانها تلقی شود و این مساله ارتباط آنها را با مردم قطع کند، آغاز یک انحراف است. وظیفه و رسالت اصلی سپاه دفاع از انقلاب و نظام تحت رهبری مقام معظم ولایت و فرماندهی کل قواست...» (کیهان، ۱۵ تیرماه ۱۳۷۷) در ارتباط با دخالت غیر قانونی و هدف مند سپاه در امور سیاسی، و حمایت بی چون و چرای فرماندهی آن از باند رسالت - حجتیه، نمایندگی ولی فقیه در سپاه سخت فعال و پرکار است. بی دلیل نیست که طی ماه های اخیر شاهد برپایی گردهمایی ها، کنفرانس ها، تشکیل سمینارها و انجام مانورهای مختلف از سوی سپاه و بسیج بوده ایم. همه این اقدامات برای حفظ آمادگی روحی، سیاسی و رزمی

ادامه با هوشیاری توطئه های ...

مواضع خودی را هم دشمن امروز اشغال کرده است، یعنی کار ما دوچندان شده است» (روزنامه سلام، پنجشنبه ۲۱ آبان ماه ۱۳۷۷).

این سخنان صرفنظر از فقر تفکر، ضعف منطق و استدلال آن، تهدیدهای آشکار و روشنی است که محتاج توضیح و تفسیر نیست. حزب ما بارها تاکید کرده است که سپاه، از آنجا ابزار رژیم استبدادی و قانون ستیز است و سرشت و فلسفه وجودی آن مغایر ضرورت های دوران معاصر است، هرگز نخواهد توانست در چارچوب یک جامعه قانونمند، آزاد و مبتنی بر عدالت اجتماعی به حیات خود ادامه دهد، و از این رو همواره در برابر خواست و اراده مردم خواهد ایستاد، و تا آنجا که در توان دارد، برای سرکوب و انحراف جنبش مردمی تلاش خواهد کرد. کوشش فرماندهان سپاه برای حفظ رژیم «ولایت فقیه» جنبه صرفاً «اعتقادی» و سیاسی ندارد. آنان منافع سرشاری از تداوم و بقا رژیم «ولایت فقیه» به چنگ آورده اند. بخش مهمی از فرماندهان پاسداران، طی دوران اخیر، از زمره ثروتمندان جامعه «اسلامی» محسوب می شوند. اشخاصی مانند رضایی، صفوی، قالیباف، شمخانی، ذوالقدر و دیگران، جزو طبقه نو پدید سرمایه داران انگلی امروز ایران به شمار می آیند که در سایه حفظ ساختار کنونی و نظم موجود، یعنی رژیم «ولایت فقیه»، دارای منافع و انگیزه های مالی وسیعی اند. مقابله با قانون گرایی، آزادی و عدالت اجتماعی، برای آنان، عبارتست از تشبیت موقعیت و منافع طبقاتی شان! در اوضاع کنونی، بدون ذره ئی تردید، بر دامنه فعالیت خطرناک سپاه، با هدف مقابله با گسترش جنبش مردمی بر ضد رژیم «ولایت فقیه» و منافع و قدرت بانند مدافع «ذوب در ولایت»، افزوده شده است. در مرحله کنونی با افشگری های وسیع، سیاست و عملکرد سپاه را در نزد افکار عمومی باید برملا ساخت. انحلال سپاه و بسیج، به عنوان ارگان های توطئه گرو ضد مردمی، و افشای چهره مردم ستیز، آنها از مهم ترین وظایف نیروهای مردمی و مترقی در مرحله کنونی است. با هوشیاری و اتحاد عمل، توطئه های سپاه پاسداران را باید خنثی ساخت.

يك نمونه ئی كوچك از معجزات دوران «سازندگی»

طی دو سال گذشته، رفسنجانی، ریاست کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، که پس از پایان جنگ دو دوره متوالی رئیس جمهوری رژیم ولایت فقیه بود، و نام و لقب «سردار سازندگی» و «امیر کبیر معاصر» را یدک می کشید، از دوران هشت ساله ریاست خود با عناوینی نظیر «قطعه ای کم نظیر در تاریخ ایران»، «دوران موفق سازندگی»، «دوره پیشرفت و آبادانی» بسیار سخن گفته و آن را یادآوری کرده است. باند کارگزاران سازندگی نیز که، بیرو و مدافع رفسنجانی اند، همواره در تبلیغات رسمی و «حزبی» خود «امر سازندگی» و «دستاوردهای سردار سازندگی» را در زمره مشخصه های پیشرفت و توسعه جمهوری اسلامی در ده سال گذشته دانسته اند. غلامحسین کرباسی، که خود، از «مدیران موفق دوران سازندگی»!! محسوب می شود، و در حال حاضر دبیر کلی حزب کارگزاران را نیز به عهده دارد، در ارتباط با مجلس خبرگان و سیاست این جریان، تاکید می کند: «کارگزاران مانند چهار سال پیش معتقد هستند که باید مانع له شدن سازندگی در لایه لای کشاکش های سیاسی شد... هدف ما از شرکت در انتخابات خبرگان دفاع از سازندگی و جامعه مدنی است...» به این ترتیب روشن است که مساله سازندگی به شیوه دارو دسته رفسنجانی، همچنان که هسته اصلی برنامه های آنها را تشکیل می داد، اکنون نیز سیاست رسمی و بنیادین آنان تلقی می گردد. حزب ما و دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، ماهیت و اهداف و پیامدهای این به اصطلاح «سازندگی» را، که چیزی جز تخریب و فروپاشی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ناتوانی سیاسی نبوده است، بارها و به دفعات افشاء کرده اند. ما همواره تاکید کرده ایم که آنچه در دوران هشت ساله ریاست جمهوری رفسنجانی به اجراء درآمد به لحاظ وسعت و زرفای فاجعه، در نیم سده اخیر واقعا بی سابقه است. یکی از مهم ترین جنبه های «دوران سازندگی» فساد مالی و غارت بی سابقه ثروت ملی است. میلیاردها دلار در این دوره اختلاس شده، و رهبران رژیم و خانواده های آنان از غارت ثروت مردم میهن به قدرت مالی و ثروت بیکران دست پیدا کردند. طرف های معاملات خارجی نیز از این خوان ینما بی نصیب نبوده اند. بسیاری از خریده ها و قراردادهای این دوره کاملا به زیان و ضرر ایران بوده است. اکنون پس از گذشت فقط چند سال «شاهکارهای» «سازندگی» یکی پس از دیگری آشکار می گردد، و زرفای فاجعه اندک اندک سیمای خود را بی پرده ظاهر می سازد. یکی از کوچک ترین و کم اهمیت ترین شاهکارها و معجزات دوران فعالیت «سردار با کفایت»!!! «سازندگی» اخیرا در مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی درج گردیده، که توجه به آن بی فایده نیست.

در اواخر مهرماه، رسانه های همگانی گزارش دادند که کشتی مسافربری میرزا کوچک خان، که از سال ۱۳۷۱ میان بنادر انزلی و باکو در دریای خزر رفت و آمد می کرد، به فعالیت خود پایان داده و از این پس در کنار ساحل بندرانزلی لنگر خواهد انداخت. این کشتی مسافربری، در دوران فعالیت «پرشور» و «موفق»، «سازندگی» از کشور ژاپن خریداری شده بود. اما اشتباه نشود، به صورت عادی و با یک قرارداد عادلانه و دید کارشناسانه و قیمت مناسب خریداری نشد. این کشتی مسافربری در سال ۱۳۷۱ یعنی کمتر از هشت سال پیش، به قیمت بیش از ۹۰۰ میلیون تومان (۱/۵ میلیون دلار) از ژاپن خریداری شد. کشتی ئی که از همان آغاز فرسوده و ادامه فعالیت آن خطرناک قلمداد می شد. قدمت کشتی نزدیک به ۳۰ سال بود. مدیر روابط عمومی کشتیرانی جمهوری اسلامی در این باره می گوید: «مردم از این کشتی مسافربری اصلا استقبال نکردند. این کشتی آنچنان فرسوده است که بازسازی آن نیز توجیه اقتصادی ندارد...» جالب اینجاست که همین مسئول کشتی رانی تاکید می کند: «تبدیل کشتی میرزا کوچک خان به رستوران نیز بعلا ناهمخوانی با سلیقه و فرهنگ مردم توفیقی نخواهد داشت و بهتر آنست که بعنوان آهن پاره فروخته شود... این کشتی در سالهای گذشته همواره ضرر بار آورده است.»

آیا معنای سازندگی را می توان بهتر از این توضیح داد؟ یک کشتی مسافربری برای رفت و آمد میان بندرانزلی و باکو خریداری می شود، با قیمت گران، کشتی فرسوده است و پس از کمتر از هشت سال، بقول مسئولان کشتی رانی بهتر است به عنوان آهن پاره فروخته شود! چه کسانی این کشتی را خریداری کرده اند؟ چرا به فرسودگی و قیمت گزاف آن توجه نشد؟ چرا به جان مسافران اهمیت داده نشد و کشتی که به لحاظ فنی خطرناک قلمداد می شد، چرا خریداری گردید؟ آیا تا کنون مقام و مسئولی در این ارتباط مورد بازخواست قرار گرفته است؟ فقط در کشورهای وابسته و رژیم های منحط مانند رژیم «ولایت فقیه»، رئیس دولتی که چنین تخلفات و خیانت های مرتکب شود کماکان از گزند قانون در امان می ماند، و پست های حساس حکومتی را در اشغال خود نگه می دارد. مساله کشتی فرسوده، تنها موردی کوچک و کم اهمیت از هزاران موارد خیانت به منافع مردم ما است که رهبران رژیم «ولایت فقیه» طی سالیان گذشته ثبت گردیده است. دوران سازندگی در واقع دوران وقوع و رشد چنین پدیده هایی بوده است. بی جهت نیست که تاکید باید کرد رفسنجانی و شرکای او، به دلیل چنین زیان هایی که به مردم و میهن وارد آورده اند، کارنامه ئی سیاه و ضد مردمی دارند. این ارزیابی سردبیر مجله «ایران فردا» در ارتباط با کارگزاران سازندگی، کاملا دقیق است که می گوید: «کارگزاران از گذشته با این جناح رسالت - حجتیه یک وحدت و استحکامی داشته است... از نظر ساختار طبقاتی و اقتصادی، کارگزاران حداکثر استفاده را از رانت های دولتی در کسب قدرت و ثروت انجام داده اند... همچنین به مردم سالاری محدود معتقدند و آزادی دوجرخه سواری برای آنها، مهمتر از آزادی سیاسی ست...»

فساد مالی گسترده، و حیف و میل ثروت ملی از بزرگ ترین دستاوردهای رفسنجانی و باند او در هماهنگی کامل با باند حجتیه - رسالت و کلان سرمایه داری تجاری است. فعالیت «سردار سازندگی» به همین دلیل یکی از «قطعات کم نظیر تاریخ ایران» محسوب می شود.

به خوانندگان «نامه مردم»

در پی تصمیم هیأت سیاسی، کمیته مرکزی حزب توده ایران، با توجه به تحولات پر شتاب و مهم میهن مان، ضمیمه «نامه مردم»، از این پس به صورت هر دو هفته یکبار، در فواصل میان دو شماره روزنامه «نامه مردم»، در دو صفحه انتشار خواهد یافت. بدین ترتیب «نامه مردم» و ضمیمه آن به صورت هفتگی در اختیار علاقه مندان، اعضاء و هواداران حزب قرار خواهد گرفت.

ادامه شوراهای مردمی در مقابل ...

خویش است. به گفته اصغرزاده «جمهوریت شوراها، ایجاد مکانیسم هایی برای حضور مردم در صحنه، ایجاد رقابت و مشارکت و حل منازعات گروه های سیاسی بحث های اصلی هستند که در قانون اساسی پیش بینی شده اند. این که چرا چنین بحث هایی متوقف شده، با یک دیدگاه که معتقد به جمهوریت نبوده و جرأت می کند پس از بیست سال در نماز جمعه تهران بگوید دموکراسی با اسلام منافات دارد، مرتبط است.»

تجربه بیست ساله حاکمیت رژیم استبدادی «ولایت فقیه» نیز موید این نظر است که، ارتجاع و واپس گرایی حاکم، بنا بر ماهیت عمیقاً ضد مردمی و ضد ملی خود، نمی تواند خواهان استقرار شوراهای مردمی در ایران باشد. برای رژیم «ولایت فقیه» که معتقد به «محدودیت آزادی» و «مشروعیت الهی» است، شوراهای مردمی که تبلور روشن استقرار حق حاکمیت توده ها بر سرنوشت شان است، اصلی غیر قابل قبول است که هیچ همخوانی با «ولایت مطلق» ندارد. سرکوب خشن و خونین آزادی ها و حقوق دموکراتیک، غیر قانونی کردن احزاب و سازمان های مترقی و پیشرو، و تهدید به «گردن زدن» و «زبان بردن» مخالفان و دگراندیشان، حتی نیروهای مذهبی، در سال های اخیر، روشنگر چنین حقیقتی است. بنابراین، روشن است که گردانندگان رژیم خواهان تشکیل شوراهای فرمایشی و در خط «ولایت» هستند که نمی تواند شوراهای مورد نظر مردم ما باشد. نظریه ارتجاعی و واپس گراییه ای که می گوید «آزادی را هرچه محدود تر کنید» و «ولی فقیه» حاکم بر سرنوشت مردم است و اوست که می تواند حتی در امور «خصوصی مردم» تصمیم گیری و حکم صادر کند (نگاه کنید به سخنان مهدوی کنی و مصباح یزدی در نماز های جمعه تهران) شوراهایی را طلب می کند تا «در خط ولایت»، نهادهایی بی خاصیت و نمایشی باشند که نتوانند هیچ تأثیر واقعی بر سرنوشت سیاسی کشور داشته باشند. برگزاری انتخابات شوراهای شهر و روستا، بیست سال پس از انقلاب بهم، در واقع به دلیل فشار از پایین، تشدید برخوردها در درون و پیرامون حاکمیت، و در واقع ادامه مبارزه می است که از سوی توده ها برای شکستن سد استبداد ادامه داشته و در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، با نفی نامزد رژیم «ولایت فقیه»، در انتخابات ریاست جمهوری، به مرحله می تازه وارد شد. مبارزه می که گام به گام با اتخاذ تاکتیک های خلاق، زنده و توده ای به سنگر های ارتجاع یورش برده است. مبارزه می که از کارخانه ها و واحدهای تولیدی تا موسسه های آموزشی، دانشگاه ها و خیابان های میهن ما گسترده است و هدف نهانش نه تأیید و حمایت از یک جناح در مقابل جناح دیگر، بلکه طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی است.

بر اساس چنین ارزیابی است که حزب توده ایران شرکت در انتخابات شوراها و بسیج نیروهای مردمی در مقابل ارتجاع را یک وظیفه مهم در اوضاع کنونی می داند. مقابله با ترغیب های ارتجاع، از جمله تلاش برای جلوگیری از شرکت نمایندگان واقعی مردم در انتخابات، کارزار وسیع تجهیز سیاسی توده ها و افشای ماهیت واقعی و ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» در جریان انتخابات، از جمله وظایف مهمی است که پیشروی نیروهای مترقی قرار دارد. رژیم مترصد است تا همان نظارت استصوابی را این بار از طریق به انحصار گرفتن تمامی هیأت های نظارت انتخابات، اعمال کند، مقابله با این حرکت، مستلزم بسیج نیرو و افشای توطئه های حکام غاصب حقوق و آزادی های مردم در سطح تمامی شهرها و روستا های کشور است. انتخابات شوراهای شهر و روستا، انتخابات مجلس شورای اسلامی نیست که ارتجاع بتواند با محروم کردن چند صد تن مسأله را فیصله دهد. سخن از مقابله هیأت های نظارت مرکزی انتخابات با ده ها و شاید صد ها هزار تن نامزد های شرکت کننده در انتخابات است که نه «الزام عملی به ولایت فقیه» را قبول دارند و نه حاضرند در چارچوب های مورد نظر رژیم حرکت کنند. بسیج این چنین نیرویی در سطح کشور، چیزی جز گسترش و وسعت دادن به میدان مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» نیست. همدار های روزنامه جمهوری اسلامی در هفته های اخیر پیرامون خطرات جدی که «موجودیت نظام» را تهدید می کند، و سخنان تهدید کننده «سردار ذوالقدر» مبنی بر مقابله جدی با اشغال «بسیاری از سنگرها توسط دشمن [بخوان توده های مردم جان به لب رسیده]» به روشنی نشانگر هراس عمیق حاکمیت از تشدید و گسترش ابعاد مبارزه است.

مردم میهن ما خواهان تشکیل شوراهای شهر و روستا متشکل از نمایندگان واقعی خود اند، چنین خواستی با تمایل رژیم برای مهار کردن جنبش و خواست توده ها برای تغییرات بنیادین در جهت و سمت آزادی و عدالت اجتماعی در تضاد آشکار قرار دارد. این تضاد، بسیج گر همان نیروی محرکه می است که، در تحلیل نهایی، سرنوشت آینده میهن ما را رقم خواهد زد.

ادامه ما برای تغییرات و ایجاد آلترناتیو ...

داند. این دید از منافع عالیه مردم ما، از حق بلا منازع آنان نشأت می گیرد که: خود بدون مداخله از سوی محافل خارجی در مورد مسایل شان تصمیم بگیرند.

حزب ما به نیروهای داخلی (توده مردم، ارتش و وحدت نیروهای میهن پرست مخالف) به عنوان پایه می برای تغییر و ایجاد یک آلترناتیو دموکراتیک متکی است. حزب ما در برنامه دموکراتیک میهنی خود که در کنگره ششم آن، در اوایل مرداد ماه جاری به تصویب رسید، درک خود را از پروسه تغییر و نیروهای محرکه آن تعریف کرده است. تأکید ما در مورد اتکاء به نیروهای داخلی در پروسه رهایی از دیکتاتوری (که قلب بحران موجود در عراق را تشکیل می دهد)، نیاز مردم عراق به حمایت حقه بین المللی (سیاسی و عادی) را منتفی نمی داند، و برای همسنگی افکار عمومی جهان (مادی و در شکل تبلیغاتی) در مبارزه شان، بر پایه احترام به تصمیم سیاسی آنان و با در نظر گرفتن برنامه واحد نیروهای اپوزیسیون دموکراتیک خلقمان اهمیت قابل است.

س- نظر حزب شما در رابطه با توافق اخیر (در واشنگتن) بین حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه میهنی کردستان چیست و آیا معتقدید که این توافق به نفع تلاش های نیروهای اپوزیسیون عراق برای تغییر است؟

ج- جلسه بین مسعود بارزانی و جلال طالبانی، رهبران دو حزب متخاصم که درگیری داشتند، و توافق آنها در اساس در مورد آشتی و صلح، قدمی مثبت و ارزشمند است که ما به عنوان یک حزب و به همراه دیگر نیروهای اپوزیسیون کرد و عراقی، در جهت آن عمل کرده و برای حصول آن تلاش کرده ایم.

اگر چه ما هنوز جزئیات را ندیده ایم، به آن خوش آمد گفته و آن را در راستای خواست های مردم برای ثبات و صلح و خواست های آنان برای وحدت مبارزه نیروهای میهنی، و دستیابی به دموکراسی می دانیم. در عین حال امیدواریم که متن موافقتنامه منتشر شود که بتوانیم آن را ارزیابی دقیق کرده و در مورد مفاد آن اظهار نظر کنیم. توافق میان دو رهبر نشان دهنده شناخت صحیح نیاز به ترک خشونت و جنگ در حل اختلافات بین نیروهای اپوزیسیون است. وحدت و تفاهم، مسیر صحیح برای جلوگیری از مداخله نیروهای خارجی (منطقه ای و بین المللی) در مسایل داخلی، و کوشش برای بدست گیری سرنوشت مردم مان است. جنگی که بیش از چهار سال ادامه داشته است، عاملی اضافی در جدا سازی نیروهای اپوزیسیون، تعمیق اختلافات آنها و ممانعت از وحدت آنان بوده، در حالی که برای دیکتاتوری یک دستاورد محض بوده است. ما مطمئن هستیم که پایان دادن قطعی به این جنگ و تأمین آشتی و صلح، توسط رهبری نه فقط به نفع مردم کردستان در جهت تضمین حقوق حقه ملی است، بلکه عاملی موثر در وحدت نیروها و احزاب اپوزیسیون عراقی در مبارزه شان برای تغییر، و در جهت ایجاد یک عراق دموکراتیک فدرال و واحد خواهد بود.

ادامه حزب توده ایران ترور داریوش ...

رژیم با چنین ترغیب های مذبحانه می باد می کارد که حاصلی جز طوفان محتوم نخواهد داشت.

حزب توده ایران، ضمن ابراز همدردی با اعضاء و هواداران حزب ملت ایران، خانواده و نزدیکان داریوش و پروانه فروهر، تفر و انزجار عمیق خود را از این جنایت هولناک مزدوران رژیم «ولایت فقیه» اعلام می کند، و از همه نیروهای مترقی در ایران و سراسر جهان می خواهد تا صدای اعتراض خود را بر ضد رژیم «ولایت فقیه» رساتر سازند. این ترور باید درسی هم برای جامعه جهانی، و خصوصاً کشور های غربی، باشد، که با وجود محکوم شدن سران رژیم «ولایت فقیه» در دادگاه برلین، به دلیل شرکت در قتل دکتر شرفکندی و یارانش، چشم های خود را بر این جنایات فرو بستند، و در واقع رژیم را به ادامه چنین سیاست های جنایت باری تشویق کردند.

نگ و نفرت بر مزدوران جنایتکار رژیم «ولایت فقیه»!



از رویدادهای جهان

ایتالیا بر سر دوراهی!

دولت ترکیه کوشش خود را برای استرداد عبدالله اوجلان، رهبر حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) که در حال حاضر در ایتالیا در بازداشت به سر می برد، تشدید کرده است. اوجلان اخیراً هنگامی که با یک پاسپورت ساختگی قصد ورود به ایتالیا را داشت، بازداشت شد.

در هفته های اخیر، دولت آنکارا با توسل به تهدیدات نظامی برضد سوریه، و فشار اقتصادی بر روسیه، از اینکه این دو کشور به اوجلان پناهندگی سیاسی بدهند، جلوگیری کرده است. عبدالله اوجلان در ۲۷ آبان ماه از دولت ایتالیا خواست که در برابر فشارهای دولت متکی به نظامیان ترکیه تسلیم نشود و با اعطای پناهندگی سیاسی به او امکان دهد که در جهت حل صلح آمیز درگیری های کردستان تلاش کند. او گفت: «من از ایتالیا می خواهم که میان ما و ترکیه در جهت یافتن راه حلی سیاسی برای مسأله کردها میانجی گری کند... ما آماده گفتگو با ترکیه، اروپا و ایالات متحده هستیم... من نمی توانم باور کنم که ایتالیا آن چنان بزدل باشد که مرا تحویل ترکیه و یا یونان بدهد.»

ده ها هزار تن از هواداران جنبش مردم کرد و پ.ک.ک. در رم جمع آمده و با تظاهرات صلح آمیز خواستار رهائی اوجلان از بازداشت، و اعطای پناهندگی سیاسی به او شدند. دولت ترکیه نیز سعی در فشار به مقامات ایتالیا برای بازگرداندن اوجلان کرده است. وزیر حمل و نقل و مخابرات ترکیه، عارف احمد دیز اوغلو، گفت: «از امروز شهروندان همه نقاط کشور می توانند به ادارات پست بروند و مجانی پیام های خود را به مقامات ایتالیایی در ارتباط با استرداد اوجلان فاکس کنند.» برخی از اعضای دولت ائتلافی ایتالیا، از جمله نخست وزیر ماسیودالما، از جنبش خلق کرد حمایت می کنند و مخالف استرداد اوجلان و ولی وزیر خارجه، لامبرتودینی، که طرفدار عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا است، بازپس فرستادن اوجلان را مطرح کرده است.

دوآلما به تظاهرات اخیر اوجلان در مورد نفی خشونت و طرفداری از شیوه های صلح آمیز برای حل مسأله کردها، خوش آمد گفت و آن را پایه می برای اعطای پناهندگی سیاسی به او دانست.

صلح يك جانبه!

نیست. در ۲۷ فروردین ماه، کنست، پارلمان اسرائیل، با رای هفتاد و پنج به نوزده موافقت نامه اخیر میان نتانیاهو و عرفات را که ماه قبل در آمریکا امضاء شده بود، تصویب کرد. نمایندگان حزب کارگر و نیز نمایندگان وابسته به احزاب چپ رای مثبت دادند. در صورتی که حزب کارگر تصمیم به دادن رای مخالف می گرفت دولت سقوط می کرد. موافقت نامه شدیداً مورد حمله نیروهای راست افراطی و صهیونیستی قرار دارد. اختلاف نظر حتی در کابینه بنیامین نتانیاهو تاحدی است که هفت وزیر او در جلسه رای پارلمان حضور نیافتند و دو وزیر نیز رسماً رای منفی دادند. و این در حالی است که وزرای وابسته به راست تاکنون چندین شرط را به موافقت نامه ملحق کرده اند. آنها تذکر می شوند که قبل از هر مرحله عقب نشینی نیروهای اسرائیلی، دولت اسرائیل به بررسی اوضاع بپردازد تا معلوم شود آیا فلسطینی ها به تعهدات خود عمل کرده اند، یا نه، و تنها در چنین صورتی رای مثبت خواهند داد. دولت اسرائیل رسماً در ۲۸ آبان ماه موافقت نامه را تأیید کرد.

یاسر عرفات، رهبر فلسطین خودمختار، در ۲۶ فروردین ماه طی سخنانی تعهد کرد که فلسطینی ها در مبارزه برای استقرار یک کشور مستقل، فقط از راه های صلح آمیز استفاده خواهند کرد. این اظهارات به دنبال به تعویق انداختن ناگهانی تحویل اراضی کرانه غربی به فلسطینی ها از سوی بنیامین نتانیاهو انجام شد. نتانیاهو دلیل این امر را اظهارات عرفات در مورد امکان از سرگیری انتفاضه ذکر کرده بود. یاسر عرفات در سخنانی خطاب به دولت اسرائیل گفت: «من در مقابل شما تصریح می کنم که صلح، انتخاب استراتژیک ما است و من همچنین تصریح می کنم که هرگونه مشکلی در رابطه با مذاکرات درباره وضعیت نهایی فلسطین خودمختار، از راه های صلح آمیز و مذاکرات حل خواهد شد نه از هیچ راه دیگری.» سخنگوی نتانیاهو، اظهارات عرفات را در مورد این که صلح «انتخابی استراتژیک» برای طرف فلسطینی است، را رد کرد و گفت که فقط کلمات کافی

اجلاس ناموفق!

سوی دولت سعی در کاهش اثرات بحران اقتصادی کنونی در کشورهای جنوب شرقی داشته است، اعلام کرده است که باز کردن بیشتر اقتصادهای کوچک در آسیا به صنایع بومی که در شرایط فعلی فلج شده اند، می تواند ضربه مهلکی بزند. اجلاس سران آپک در ۲۷ آبان ماه، در مورد طرح نجات اقتصادی آسیا موافقت کرد.

در بیانیه پایانی اجلاس گفته می شود که، به شرکت ها و بانک های در حال ورشکست شدن کمک مالی داده شود. بیانیه همچنین در مورد نیاز به رشد از طریق جلب سرمایه و سرمایه گذاری خارجی، تأکید کرد. اظهارات الگور، معاون ریاست جمهوری آمریکا، در حمایت از تظاهرکنندگان ضد دولتی در کوالالمپور، و نیز ملاقات مادالین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، با همسرانور ابراهیم، معاون مخلوع نخست وزیر مالزی که در حال حاضر جریان محاکمه او ادامه دارد، خشم مالزی و دیگر کشورهای آسیایی عضو آپک را برانگیخت.

اجلاس اخیر رهبران کشورهای کرانه اقیانوس آرام (پاسیفیک) و عضو پیمان همکاری اقتصادی آسیا-پاسیفیک (آپک) که با حضور رهبران بیست و یک کشور در روزهای ۲۴ تا ۲۷ آبان ماه در مالزی برگزار شد، منعکس کننده اختلاف نظر و رقابت های شدید در این کلوب ممتاز سرمایه داری جهانی است. رهبران شرکت کننده قادر به توافق در مورد طرح «لیبرالیزاسیون» (آزادسازی) تجارت نشدند. مذاکرات اجلاس وزرای آپک نتوانست به هیچ گونه توافقی در مورد این طرح که حجم یک و نیم تریلیون دلار تجارت را در بر می گیرد، دست یابد. زاین با کاهش تعرفه های مربوط به ماهی و مصنوعات چوبی و جنگلی مخالفت کرده و در پایان قرار شد که این مسأله به سازمان تجارت جهانی ارجاع شود. شکست اجلاس، اختلافات جدی را درون آپک بر سر این موضوع که چگونه می توان اقتصاد های کرانه اقیانوس آرام را از رکود بیرون کشید، به نمایش گذارد. ایالات متحده که توسط استرالیا، کانادا و نیوزلاند حمایت می شود، خواستار تسریع در باز گشایی بازارها است، از سوی دیگر مالزی که طی سال جاری، با زیر نظارت گرفتن مبادلات ارزی و دیگر اقدامات مستقیم از

دور جدید بحران دیپلماتیک میان ایالات متحده و عراق، که با جلوگیری از فعالیت های هیات ویژه بازرسی تاسیسات نظامی عراق از طرف رژیم صدام شروع شده بود، در ۲۳ آبان ماه، با عقب نشینی صدام تخفیف یافت. بیل کلینتون، رئیس جمهوری آمریکا، در آخرین لحظات و فقط یک ساعت قبل از آغاز بمباران، حمله به عراق را متوقف کرد. دولت انگلیس نیز در هماهنگی با ایالات متحده، هوایمهاهای جنگنده خود را به پایگاه های شان فراخواند. دولت عراق در نامه ئی رسمی به دبیر کل سازمان ملل، قبول کرد که با هیات ویژه بازرسی سازمان ملل همکاری کامل کند. فرانسه و روسیه، اعضای دائمی شورای امنیت، شدیداً با تصمیم حمله نظامی به عراق که ظاهراً تحت نام سازمان ملل اتخاذ شده بود، مخالفت کردند. برخی از ستانورهای آمریکایی علت توقف حمله نظامی را این چنین ذکر کرده اند که گویا فرانسه به عراق قریب الوقوع بودن حمله نظامی آمریکا و انگلیس را اطلاع داده بوده است. وزیر خارجه فرانسه از واشنگتن در مورد «اتهامات شرم آور و کاملاً احمقانه» توضیح خواسته است. دولت فرانسه همچنین آمریکا را در مورد تشدید فعالیت های خود

آلترناتیو آمریکایی!

برای سرنگون کردن صدام حسین مورد انتقاد قرار داد. سخنگوی وزیر خارجه فرانسه گفت: «فرانسه اصرار می ورزد که حق حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عراق محترم شمرده شود.» کلینتون خواستار تشکیل دولتی جدید در بغداد شده است که «معتقد به صلح باشد»، و اضافه کرد که واشنگتن کوشش های خود را در این جهت تشدید خواهد کرد. دولت انگلستان نیز در ۲۸ آبان ماه، با دعوت نمایندگان نیروهای اپوزیسیون عراق به وزارت خارجه جهت بحث در مورد راه های تسریع ایجاد یک «آلترناتیو دموکراتیک» قابل قبول برای غرب، عملاً همراهی خود را با طرح ایالات متحده به اثبات رساند. تحرکات سیاسی ایالات متحده در چهار ماهه اخیر، در جهت تکمیل نقشه خود برای ایجاد تغییرات کنترل شده و در راستای منافع امپریالیسم بوده است. هنوز مشخص نیست که همنسایگان شمال و شرق عراق چه نقش هایی در تحولات آینده قبول کرده اند.

مصاحبه با رهبر حزب کمونیست عراق

ما برای تغییر و ایجاد یک آلترناتیو دموکراتیک به نیروهای داخلی خلق مان متکی هستیم!

نشریه طریق الشعب، ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق، در ۳ آبان ماه متن مصاحبه آژانس خبری آسوشیتدپرس را، با رفیق حمید مجید موسی، دبیر کمیته مرکزی حزب برادر، در مقر مرکزی حزب در کردستان عراق، منتشر کرد. نظر به اهمیت برخی نکات مطروحه ترجمه متن کامل این مصاحبه جهت اطلاع خوانندگان نامه مردم آورده می شود:

س- اوضاع عراق از نظر تحولات اخیر، در رابطه با سازمان ملل و تشدید بحران داخلی، از مرحله خطرناکی می گذرد. ارزیابی شما از این تحولات و آینده آن چیست؟
ج- این اولین بار نیست که روابط بین رژیم عراق و هیات بازرسی سازمان ملل، شورای امنیت سازمان ملل، و دولت آمریکا به وخامت گرایده است و مادام که دلایل عینی و ذهنی پایه وضعیت موجود در عراق، و روابط خارجی آن بدون تغییر ادامه یابد، آخرین بار نیز نخواهد بود.

رهبران عراق که قادر به یافتن راه حلی برای بحران وخیم داخلی نیستند، با منتسب کردن دلایل بحران به عوامل خارجی، مقصد دانستن سازمان ملل، شورای امنیت و دولت آمریکا (که بار بخشی از این مسئولیت به دوش آن است)، سعی در یافتن راهی برای جلوگیری از انفجار خشم رو به رشد توده ها دارند. بر این اساس، دیکتاتوری حاکم در کشور متوسل به تحریک بحران با سازمان ملل شده است. حاکمان کشور، به جای اجرای تعهدشان در قبال قطعنامه های سازمان ملل در رابطه با نابودی سلاح های کشتار جمعی، به ظفره رفتن، دروغگوئی و تقلب دست زده اند. این امر اعتماد همگان را به جدی بودن آنها در اتخاذ شیوه ای که به رفع سریع تحریم اقتصادی و کاهش مصائب مردم عراق کمک کند، از بین برده است. برای رژیم و وابستگانش، مهم ترین امر پناه جستن در پس فاجعه کشور و معامله از این طریق، به منظور باقی ماندن در قدرت در حد امکان است. آنها رفع تحریم ها (و در صدر آنها تحریم های سیاسی - دیپلماتیک و نظامی) را بدون پرداخت هیچ بهایی در قبال جنایاتی که بر ضد مردم، کشور و همسایگانش مرتکب شده اند، خواستارند.

اصرار رژیم بر سیاست خود، در بیوندی تنگانگ با موضع ایالات متحده است، که با مردم ما خصومت دارد. دولت ایالات متحده، با تمامی قدرت و نفوذ خود، از یافتن راه حل در فرمولبندی قطعنامه های شورای امنیت و کنترل بحران عراق، ظفره می رود، و دنبال بهانه است تا بدون هیچ گونه توجهی به مصائب مردم ما، در حال حاضر و آینده، که چیزی جز نابودی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی، و گرسنگی، فقر و بیماری نیست، تحریم را طولانی کند. انگیزه های دولت آمریکا از این عملکرد فقط مهار کردن و تضعیف رژیم نیست، بلکه همچنین متوجه سلطه به نتایج دراز مدت داخلی (نظارت کامل بر ثروت نفتی عراق و تصمیم گیری در مورد آینده رژیم سیاسی - اجتماعی آن) و منطقه ای در رابطه با تقویت سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی بر کشورهای منطقه خلیج [فارس]، و کسب آن گونه موازنه نیروها در خاورمیانه است که در خدمت اسرائیل و سیاست تجاوزگرانه آن و در تضاد با صلح همه جانبه و عادلانه و حقوق حقه مردم فلسطین باشد. به علاوه، این سیاست اهداف جهانی بی در ارتباط با درک ایالات متحده آمریکا از نظم نوین جهانی و نظارت انحصاری بر سرنوشت جهان دارد.

رژیم دیکتاتوری، نه قابلیت نجات مردم از وضعیت دشوارشان را دارد و نه شایستگی این را که بحران عمیق کشور را حل کند (چرا که در درجه اول مسئول همه آنچه که بر سر مردم آمده، است). دولت ایالات متحده نیز خواستار حل مسائل از طرفی نیست که نجات مردم عراق را از دیکتاتوری و ایجاد یک آلترناتیو دموکراتیک را

در برداشته باشد. با توجه به همه این مسایل، ما با تاسف عمیق باید بگوئیم که راه حل سریع و نهایی بی برای این بحران نمی بینیم. کاملاً محتمل است که بحران تکرار بشود و ممکن است که شکلی خشن به خود بگیرد و به برخورد نظامی (حمله موشکی، بمباران هوایی و غیره) منجر شود که در این صورت، مردم بزرگ ترین بازنده ها خواهند بود. تنها مردم ما توانایی حل این بحران را دارند. همکاری اکثریت توده ها، که رژیم و مداخله خارجی را مردود شمرده اند، با ارتش که توسط رژیم تحقیر و مجبور به ورود در جنگ های تجاوزکارانه بیهوده شده است، نیروها و احزاب میهن پرست که در برابر مسئولیتی تاریخی قرار دارند، با وحدت و تشدید فعالیت خود برپایه یک برنامه دموکراتیک میهن پرستانه در خدمت منافع مردم ما می تواند تضمین آینده کشور باشد.

س- ایالات متحده اخیراً طرح ها و برنامه هایی را به منظور اجراء یک پروسه تغییر در عراق مطرح کرده است. نظر شما در این باره چیست و آیا حزب شما مایل به مشارکت در آنها است؟ آیا شما برنامه مستقلی برای تغییر دارید؟

ج- طرح های ایالات متحده که اخیراً مورد بحث قرار گرفته است، در اساس چندان تفاوتی با مواضع قبلی ایالات متحده ندارند. تغییر جزئی، و محدود به جوانب تکنیکی و تاکتیکی است و مشخصه آن سخت تر شدن موضع این کشور است. این امر در ارتباط با کوشش هایی است که برای انطباق اوضاع با مبارزه بین کنگره و ریاست جمهوری آمریکا و بین جمهوری خواهان و دموکرات ها و منافعی است که آنان نمایندگی می کنند. نامه ریاست جمهوری آمریکا به کنگره، در اواسط مرداد ماه امسال، تاکید داشت که سیاست رسمی این کشور هنوز در چارچوب مهار و تضعیف رژیم عراق است، تا نتواند «خطری را متوجه همسایگانش بکند.»

مردم ما، طرح های ایالات متحده را، که در تقابل با منافع شان است، آزموده اند، زیرا طرح ها، صرف نظر از مقاصد دولت آمریکا، همیشه، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، در خدمت ادامه موجودیت رژیم و سیاست آن بوده است. این واقعیت را می توان از شواهد بسیاری، نو و کهنه، استنتاج کرد که، آخرین آن، اصرار به ادامه تحریم اقتصادی بر ضد مردم ما (که تقصیری در قبال جنایات دیکتاتوری ندارند) و تهدیدهای مداوم در توسل به زور برای حل بحران است. مداخله در امور اپوزیسیون عراق، سد کردن وحدت آن و اتکاء به نیروهای غیر عمده در آن، از اجزاء این طرح است. تمامی این طرح به رژیم کمک کرده است تا تقصیر آنچه را که در عراق اتفاق می افتد به گردن نیروهای خارجی بیندازد و خود را از جنایاتی که مرتکب شده است مبرا بداند، و به رژیم کمک کرده است که خود را در داخل و همچنین در سطوح کشورهای عربی و بین المللی، قربانی اقدامات ددمنشانه خارجی نشان بدهد و واقعیت مبارزه رو به رشد مردم و نیروهای اپوزیسیون از یک سو و حکومت دیکتاتوری از سوی دیگر را مخدوش کند.

حزب ما برای حل بحران پیچیده ای که عراق درگیر آن است، دید و برنامه مشخص خود را دارد. حزب ما دیگر نیروهای اپوزیسیون را در این برنامه شریک می

بقیه در صفحه ۶

۱۰۰ مارک

آرین از هلند

کمک مالی رسیده

آدرس ها: لفظاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:545
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

24 November 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
شماره حساب
کد بانک
بانک
IRAN e. V.
790020580
10050000
Berliner Sparkasse